



شناخت مختصری از زندگانی امام سجاد علیه السلام
با اقتباس از کتاب سیره پیشوایان
تألیف: مهدی پیشوایی

شناخت مختصری از زندگانی امام سجاد علیه السلام

امام سجاد علیه السلام، فرزند حسین بن علی (علیه السلام) سومین امام شیعیان جهان، مادرش «شهربانویه»^۱، مشهورترین لقبش «زین العابدین» و «سجاد» است.

امام سجاد (علیه السلام) در سال سی و هشت قمری دیده به جهان گشود^۲ و دوران کودکی خود را در شهر مدینه سپری کرد.

در محرم سال ۶۱ هجری در جریان قیام و شهادت پدرش حسین (علیه السلام) در سرزمین کربلا حضور داشت. پس از فاجعه کربلا که امامت به او رسید، همراه دیگر اسیران اردوگاه حسینی، به اسیری به کوفه و شام برده شد، او در این سفر با سخنرانی‌های آتشین خود حکومت یزید را رسوا ساخت و پس از بازگشت از شام، در شهر مدینه اقامت گزید تا آن که در سال ۹۴ یا ۹۵ هجری به شهادت رسید و در قبرستان معروف «بقیع» در کنار قبر عمویش امام حسن (علیه السلام) به خاک سپرده شد.

بی شک بیماری موقت آن حضرت در آن حادثه، عنایت خداوندی بوده است تا بدینوسیله از وظیفه جهاد معذور گردد^۳ و وجود مقدسش از خطر کشتار مزدوران یزید محفوظ بماند و از این رهگذر، رشته امامت تداوم یابد. اگر حضرت بیمار نبود، می‌بایست در جهاد با یزیدیان شرکت کند و در این صورت همچون سایر فرزندان و یاران پدرش به شهادت می‌رسید و نور هدایت خاموش می‌شد.

«سبط ابن الجوزی» می‌نویسد: علی بن الحسین چون بیمار بود کشته نشد.^۴

«شیخ مفید» از «حمید بن مسلم»، یکی از سپاهیان یزید، چنین نقل می‌کند: (روز عاشورا) به چادر علی بن الحسین رسیدیم، او سخت بیمار و بر بستری خوابیده بود. شمر با گروهی از پیادگان آمد، به او گفتند:

آیا این بیمار را نمی‌کشی؟ من گفتم: سبحان الله! آیا کودکان را هم می‌کشید؟! این کودکی است و بیماری، او را از پا در خواهد آورد، و چندان از این سخنان گفتم تا آنان را از کشتن او باز داشتیم. در این هنگام «عمر بن سعد» آمد. زنان به روی او فریاد زدند و گریستند. او به افراد خود گفت: هیچ کس از شما به خانه‌های این زنان داخل نشوید و متعرض این جوان نشوید.^۵

^۱ - محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، ج ۱، ص ۴۶۷؛ شیخ مفید، الإرشاد، ص ۲۵۳؛ فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۲۵۶؛ حسن بن محمد بن حسن قمی، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی بن حسن قمی، تصحیح: سیدجلال الدین تهرانی، ص ۱۹۶؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّه فی معرفه الأئمه، ج ۲، ص ۲۸۶. در کتب تاریخ و زندگی ائمه، نام مادر امام چهارم سخت مورد اختلاف است و علاوه بر شهربانویه، به دوازده صورت دیگر نیز همچون: شاه زنان، جهان شاه، شهرناز، جهان بانویه، خوله، سلافه و... آمده است. جهت اطلاع بیش تر رجوع شود به: دکتر شهیدی، سیدجعفر، زندگانی علی بن الحسین، ص ۲۷ تا ۲۹؛ دکتر کریمان، حسین، ری باستان، ج ۱، ص ۴۰۳ تا ۴۱۶. آقای دکتر کریمان به مناسبت بحث پیرامون مقبره بی بی شهربانو که براساس شهرتی عامیانه، محل دفن شهربانو همسر امام حسین پنداشته می‌شود اقوال مختلف پیرامون نام مادر امام چهارم را برشمرده و انتساب این محل به آن بانو را رد کرده است.

^۲ - شیخ مفید، همان کتاب، ص ۲۵۳ علامه طبرسی، تاج الموالید (ضمن مجموعه ای به نام «مجموعه نفیسه») ص ۱۱۲؛ شیخ مفید، مسأله شیعه (ضمن همان مجموعه) ص ۶۷ محمد بن جریر بن رستم طبری، دلائل الإمامه، ص ۸۰؛ کلینی، همان کتاب، ص ۴۶۶ سبط ابن جوزی، تذکره الخواص، ص ۳۳۴؛ مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۱۶۷؛ فتال نیشابوری، روضه الواعظین، تصحیح و تعلیق: شیخ حسین اعلمی، ص ۲۲۲؛ فضل بن حسن طبرسی، همان کتاب، ص ۲۵۶؛ ابن ابی الثلج بغدادی، تاریخ الأئمه (ضمن مجموعه نفیسه)، ص ۹. برخی از مورخان تولد امام علی بن الحسین (علیه السلام) را در سال ۳۶ یا ۳۷ نوشته‌اند.

^۳ - مسعودی، همان کتاب، ص ۱۶۷ و رک به: سبط ابن الجوزی، تذکره الخواص، ص ۳۳۴.

^۴ - سبط ابن جوزی، همان کتاب، ص ۳۳۴ و رک: ابن العماد حنبلی، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ج ۱، ص ۱۰۵.

^۵ - الإرشاد، ص ۲۴۲ و رک: محمد بن جریر طبری، تاریخ الأمم والملوک، ج ۶ ص ۲۶۰ (حوادث سال ۶۱)؛ اخطلب خوارزمی، مقتل الحسین، تحقیق و تعلیق: شیخ محمد سماوی، ج ۲، ص ۳۸.

«مسعودی»، مورخ نامدار، تصریح می‌کند که: «علی بن الحسین، امامت را به صورت مخفی و با تقیه شدید و در زمانی دشوار عهده‌دار گردید».^۶

امام صادق (علیه السلام) در ترسیم این وضع تلخ و اندوه بار می‌فرمود: «مردم پس از (شهادت) حسین بن علی (علیه السلام) برگشتند (از اطراف خاندان پیامبر پراکنده شدند) جز سه نفر: «ابو خالد کابلی، یحیی بن ام الطویل و جبر بن مطعم».^۷ سپس افرادی به آنان پیوستند و تعدادشان افزون گشت. «یحیی بن ام الطویل» به مسجد پیامبر در مدینه می‌رفت و خطاب به مردم می‌گفت: «ما مخالف و منکر شما (و راه و آیین شما) هستیم و میان ما و شما دشمنی و خشم و کینه آشکار و همیشگی هست...».^۸

بیشترین دوران امامت سجاد (علیه السلام) مصادف بود با دوران خلافت عبدالملک بن مروان که مدت بیست و یک سال طول کشید. مورخان از عبدالملک به عنوان فردی زیرک، با احتیاط و دوراندیش، ادیب، باهوش و دانشمند یاد کرده‌اند.^۹

مورخان از کارنامه سیاه حکومت او به تلخی یاد می‌کنند. «سیوطی» و «ابن اثیر» می‌نویسند: در طی تاریخ اسلام، عبدالملک نخستین کسی بود که غدر و خیانت ورزید (عمرو بن سعید بن العاص را پس از امان دادن کشت) و نخستین کسی بود که مردم را از سخن گفتن در حضور خلیفه منع کرد و نخستین کسی بود که از امر به معروف جلوگیری کرد.^{۱۰}

ابعاد مبارزات امام چهارم (علیه السلام) با مظالم و مفسد عصر:

امام سجاد علیه السلام، یک سلسله برنامه‌های ارشادی و فرهنگی و تربیتی و مبارزات غیرمستقیم را آغاز کرد و بدون آن که حساسیت حکومت را برانگیزد، فعالیت‌هایی انجام داد که مهم‌ترین آنها را می‌توان در چند بخش زیر خلاصه کرد:

۱- زنده نگه داشتن یاد و خاطره عاشورا

امام می‌فرمود: هر وقت کشته شدن فرزندان فاطمه (علیها السلام) را به یاد می‌آورم، گریه گلویم را می‌گیرد. روزی خدمتگزار امام عرض کرد: آیا غم و اندوه شما تمامی ندارد؟!

امام فرمود: وای بر تو، یعقوب پیامبر که تنها یکی از دوازده پسرش ناپدید شده بود، در فراق فرزند خویش آن قدر گریست که چشمانش نابینا شد و از شدت اندوه کمرش خم شد، در حالی که پسرش زنده بود (و کاملاً از یافتن او ناامید

۶- قام ابومحمد علی بن الحسین (علیه السلام) بالأمر مستخفياً علی تقیه شدیدة فی زمان صعب (مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۱۶۷).

۷- به نظر محقق بزرگوار، شیخ محمد تقی شوشتری، به جای «جبر بن مطعم»، «حکیم بن جبر بن مطعم» صحیح است (قاموس الرجال، ج ۹، ص ۳۹۹) در نقل فضل بن شاذان نیز، که خواهد آمد، «محمد بن جبر بن مطعم» ذکر شده است.

۸- شیخ مفید، الإختصاص، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، ص ۶۴؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۱۴۴ و ر.ک: شیخ طوسی، اختیار معرفة الرجال (معروف به رجال کشی)، تصحیح و تعلیق: حسن مصطفوی، ص ۱۲۳، شماره ۱۹۴. در این کتاب روایت دیگری نیز نقل شده و در آن نام «جابر بن عبدالله انصاری» نیز به سه نفر یاد شده اضافه شده است. بخش اخیر سخنان یحیی بن ام الطویل، از بیانات حضرت ابراهیم و پیروان او گرفته شده است که به نقل قرآن مجید، خطاب به بت پرستان زمان خود می‌گفتند: «... ما از شما و آن چه به جای خدا می‌پرستید، بیزاریم، ما منکر و مخالف شما (و راه و آیین شما) هستیم و میان ما و شما دشمنی و خشم و کینه همیشگی هست تا آن که تنها به خدا ایمان بیاورید» (سوره ممتحنه: ۴). یحیی نه تنها در حجاز، بلکه در عراق (کوفه) نیز همین بیانات را ایراد می‌نمود و صراحتاً از مروانیان و لعنت‌کنندگان علی (علیه السلام) بیزار می‌جست و به شیعیان توصیه می‌کرد که از دشمنان علی (علیه السلام) فاصله بگیرند (کلینی، اصول کافی، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، ج ۲، ص ۳۷۹، حدیث ۱۶).

۹- کان عبدالملک عاقلاً حازماً، ادیباً، لیبیباً عالماً (ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۵۲۰).

۱۰- سیوطی، همان کتاب، ص ۲۱۸؛ ابن اثیر، همان کتاب، ج ۴، ص ۵۲۲. بعضی از این کارها را معاویه نیز قبلاً کرده بود.

نگشته بود)، ولی من ناظر کشته شدن پدرم، برادرم، عمویم و هفده نفر از بستگانم بودم که پیکرهایشان در اطرافم نقش زمین شده بود، پس چگونه ممکن است غم و اندوه من پایان یابد؟!^{۱۱}

۲- پند و ارشاد امت

وقتی که ناآگاهی مردم از تعالیم اسلام و پیدایش بدعت‌ها و انحراف‌ها را در نظر بگیریم، عمق فاجعه بیش‌تر روشن می‌گردد و بهتر درمی‌یابیم که امام چهارم با درک عمیق درد جامعه بوده که با آن مواعظ، مردم را بیدار می‌ساخته است.

نمونه‌هایی از متروک شدن تعالیم اسلام و ناآگاهی مردم از وظایف اسلامی و پیدایش انحراف‌ها:

۱- به گفته برخی از دانشمندان، بنی هاشم در زمان امام سجاد(علیه السلام) نمی‌دانستند چگونه نماز بخوانند و چگونه حج به جا آورند و اصولاً شیعیان از احکام دینی جز آن چه از افواه شنیده بودند، نمی‌دانستند!^{۱۲}

وقتی که وضع فریضه‌ای مثل نماز که از ارکان اسلام است و هر مسلمانی در شبانه روز باید پنج بار آن را به جا آورد، در میان بنی‌هاشم که می‌بایست در این زمینه‌ها از همه داناتر و آگاه‌تر باشند، چنین باشد، می‌توان حدس زد که میزان آگاهی دینی در دیگر شهرها و مناطق و شناخت توده مردم مسلمان در مورد سایر برنامه‌های اسلام تا چه حد بوده است؟!

۲. «انس بن مالک»، صحابی مشهور، می‌گفت: چیزی از آن چه در زمان رسول خدا جاری بود، سراغ ندارم. گفتند: پس نماز چیست؟ گفت: پس آن چه بر سر نماز آوردید، چه بود؟!^{۱۳}

۳- در سال ۸۷ در زمان خلافت ولید بن عبدالملک «عمر بن عبدالعزیز» که امیر مدینه بود، به عنوان امیرالحاج به حج رفت ولی وقوف در روز عید قربان را غلط انجام داد!^{۱۴}

۴- «محمد بن مسلم بن شهاب زهری» می‌گوید: در دمشق نزد «انس بن مالک» رفتیم، دیدیم تنها نشسته گریه می‌کند، وقتی که از علت گریه‌اش پرسیدیم، پاسخ داد: از مجموع آن چه از اسلام فرا گرفتم، جز این نماز را سراغ ندارم که مانده باشد و آن هم ضایع شده است.

۵- اندکی پس از زمان انس، «حسن بصری» می‌گفت: اگر رسول خدا به میان شما برگردد، از میان همه آن چه به شما تعلیم کرده، جز «قبله» شما چیز دیگری را نخواهد شناخت!!^{۱۵}

۶- ام درداء می‌گوید: روزی ابودرداء وارد (منزل) شد در حالی که خشمگین بود، گفتم: چرا خشمگین شده‌ای؟ گفت: به خدا سوگند چیزی از دین محمد در میان این مردم سراغ ندارم جز این که همه نماز می‌خوانند.^{۱۶}

۱۱- مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۱۰۸؛ ابن کثیر، البدایه والنهایه، ج ۹، ص ۱۰۷؛ ابونعیم اصفهانی، حلیه الأولیا و طبقات الأصفیاء، ج ۳، ص ۱۴۰؛ السید محسن

الأمین، همان مأخذ، ج ۱، ص ۶۳۱ و ۶۳۶؛ علی بن عیسی، همان مأخذ، ج ۲، ص ۳۱۴؛ صدوق، خصال، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، ص ۵۱۸.

۱۲- مرتضی الحسینی العاملی، جعفر، دراسات و بحوث فی التاریخ و الإسلام (مجموعه مقالات) ج ۱، ص ۵۶ (مقاله: الإمام السجاد باعث الإسلام من جدید).

۱۳- مرتضی الحسینی العاملی، همان مأخذ؛ امین، احمد، ضحی الإسلام، ج ۱، ص ۳۶۵ (به نقل از بخاری و ترمذی، باب الإعتصام بالسنه).

۱۴- سیوطی، جلال الدین، تاریخ الخلفاء، تحقیق: محمد محیی الدین عبدالحمید، ص ۲۲۴.

۱۵- ابن عبدالبر النمری القرطبی، یوسف، جامع بیان العلم وفضله، ج ۲، ص ۲۰۰.

۱۶- شاطبی، إبراهیم الاعتصام، ج ۱، ص ۲۶. شاطبی نمونه‌های مشابه متعددی آورده است.

۳- تبیین معارف اسلامی ضمن دعا و مناجات

در زمان امام چهارم شرائط اختناق آمیزی حکم فرما بود، امام بسیاری از اهداف و مقاصد خود را در قالب دعا و مناجات بیان می‌کرد. مجموع دعا‌های امام سجاده به نام «صحیفه سجادیه» معروف است که پس از قرآن مجید و نهج البلاغه، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین گنجینه گرانبهای حقایق و معارف الهی به شمار می‌رود، به طوری که از ادوار پیشین از طرف دانشمندان برجسته ما «أُخْتُ الْقُرْآن»^{۱۷}، «انجیل اهل بیت (علیهم السلام)» و «زبور آل محمد (صلی الله علیه وآله)» لقب گرفته است.^{۱۸}

صحیفه سجادیه شامل ۵۴ دعا است:

- ۱- ستایش خدا
- ۲- درود بر محمد (صلی الله علیه وآله) و خاندان او.
- ۳- بر فرشتگان حامل عرش.
- ۴- درخواست رحمت برای پیروان پیامبران.
- ۵- دعای آن امام برای خود و دوستانش.
- ۶- دعا هنگام صبح و شام.
- ۷- دعای آن امام هنگامی که پیشامدها و حوادث مهم پیش می‌آمد و نیز به هنگام اندوه.
- ۸- در پناه جستن به خدا از ناملایمات و اخلاق ناپسند و کارهای زشت.
- ۹- در اشتیاق به طلب آموزش.
- ۱۰- در پناه بردن به درگاه خداوند.
- ۱۱- در طلب فرجام نیک.
- ۱۲- در اعتراف به گناه و طلب توبه.
- ۱۳- در درخواست حوائج.
- ۱۴- در شکایت از ستمگران، هنگامی که مورد ستم واقع می‌شد یا از ستمگران کاری که خوش نمی‌داشت، می‌دید.
- ۱۵- هنگام بیماری و پیش آمدن اندوه یا گرفتاری.
- ۱۶- درخواست عفو از گناهان و عیب‌ها.
- ۱۷- در درخواست دفع شر شیطان و پناه بردن به خداوند از دشمنی و مکر او.
- ۱۸- پس از رفع خطر و پس از برآورده شدن سریع حاجت.
- ۱۹- طلب باران پس از قحطی و خشکسالی.
- ۲۰- در طلب اخلاق ستوده و رفتار پسندیده.
- ۲۱- هنگام حزن و اندوه.
- ۲۲- هنگام سختی و مشقت و مشکلات.
- ۲۳- طلب عافیت و شکر و سپاس بر آن.
- ۲۴- دعای آن حضرت برای پدر و مادرش.
- ۲۵- دعا درباره فرزندان خود.
- ۲۶- درباره همسایگان و دوستان.
- ۲۷- دعا برای مرداران کشور اسلامی.
- ۲۸- در پناه بردن به خدا.
- ۲۹- هنگام تنگ شدن روزی.
- ۳۰- در طلب یاری از خدا برای پرداخت قرض.
- ۳۱- در ذکر توبه و طلب آن.

^{۱۷}- شیخ آغا بزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۸.

^{۱۸}- مدنی، سید علیخان، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، ص ۴۵؛ ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۱۲۵ (شرح حال متوکل، راوی صحیفه) و (شرح حال یحیی بن علی بن محمد الحسین رقی).

- ۳۲- دعا پس از نماز شب.
 ۳۳- در طلب خیر.
 ۳۴- دعا هنگام گرفتاری و هنگام دیدن کسی که به رسوایی گناه گرفتار شده بود.
 ۳۵- دعا در مقام رضا هنگام دیدن دنیا داران.
 ۳۶- دعا هنگام شنیدن صدای رعد و دیدن ابر و برق.
 ۳۷- دعا در اعتراف به این که از عهده شکر نعمت‌های خدا نمی‌توان بر آمد.
 ۳۸- در عذرخواهی از کوتاهی در ادای حقوق بندگان خدا.
 ۳۹- در طلب عفو و رحمت.
 ۴۰- دعا هنگامی که از مرگ کسی باخبر می‌شد، یا از مرگ یاد می‌کرد.
 ۴۱- در طلب پرده پوشی و نگه داری از گناه.
 ۴۲- هنگام ختم قرآن (پایان قرائت آن).
 ۴۳- هنگام نگاه کردن به ماه نو و رؤیت هلال.
 ۴۴- دعای اول ماه رمضان.
 ۴۵- دعا در وداع ماه رمضان.
 ۴۶- دعای روزهای عید فطر و جمعه.
 ۴۷- دعا در روز عرفه (نهم ذیحجه).
 ۴۸- دعا در روزهای عید قربان و جمعه.
 ۴۹- دعا برای دفع مکر دشمنان.
 ۵۰- در ترس از خدا.
 ۵۱- در تضرع و زاری.
 ۵۲- اصرار در خواهش از خدا.
 ۵۳- در مقام کوچکی در پیشگاه الهی.
 ۵۴- در طلب رفع اندوه‌ها.^{۱۹}

امام در دعای بیستم (دعای مکارم الأخلاق) چنین می‌گوید:

«خدا یا بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا بر آن که بر من ستم کند، دستی (نیروی) و بر آن که با من ستیزه جوید زبانی (برهانی) و بر کسی که با من دشمنی و عناد ورزد پیروزی عطا کن و در برابر آن کس که نسبت به من، به حيله گری و بداندیشی بپردازد، راه و تدبیر و در برابر آن که بر من فشار و آزار رساند، نیرو ده و در برابر عیب‌جویانی که بر من عیب‌جویی و دشنام‌گویی کنند، قدرت تکذیب و در برابر خطر تهدید دشمنان، به من امنیت عنایت فرما...».

آیا چه کسانی جز کارگزاران عبدالملک نظیر «ه‌شام بن اسماعیل مخزومی» (حاکم مدینه) بودند که امام مورد ستم، ستیزه‌جویی، عناد، بداندیشی، فشار، آزار و تهدید آنان قرار داشت؟ بنابراین در واقع این دعای امام شکوائیه‌ای در برابر زورگویی‌های حکومت وقت بوده و از این نظر بار سیاسی داشته است.

^{۱۹} - متوکل بن هارون راوی صحیفه می‌گوید: «این دعاها ۷۵ باب بود که یازده باب آن را فراموش کرده و شصت و چند باب آن را حفظ نمودم». مرحوم سید علیخان مدنی پس از نقل بیان متوکل، احتمال می‌دهد که چند باب دیگر نیز توسط راویان بعدی حذف یا فراموش شده و عملاً به ۵۴ باب تقلیل یافته است (ریاض السالکین، مقدمه، ص ۲۹). در هرحال علاوه بر صحیفه مشهور و رایج که «صحیفه کامله» نامیده می‌شود، از طرف دانشمندان اسلامی پنج صحیفه دیگر نیز شامل مجموعه‌هایی دیگر از دعاهای امام سجاده (علیه السلام) گردآوری شده و به نام‌های: الصحیفه الثانیه، الصحیفه الثالثه و... چاپ شده است (شیخ آغا بزرگ تهرانی، همان مأخذ، ج ۱۵، ص ۱۹، ۲۱).

در دعائی که امام روز عید قربان و روز جمعه می‌خوانده؛ با صراحت از مسئله امامت و رهبری امت، که اختصاص به خاندان پیامبر دارد و غصب شدن آن توسط ستمگران یاد می‌کند و بدین ترتیب مشروعیت حکومت بنی‌امیه را نفی می‌کند.

امام در دعای عرفه:

از نقش و موقعیت ویژه رهبران الهی و امامان از خاندان نبوت و امتیازهای آنان سخن می‌گوید و این، دقیقاً به معنای نفی مشروعیت حکومت زمام داران وقت بود.

۴- نشر احکام و آثار تربیتی و اخلاقی

دانشمند بزرگ جهان تشیع، شیخ «مفید»، در این زمینه می‌نویسد: «فقهای اهل تسنن به قدری علوم از او نقل کرده‌اند که به شمارش نمی‌گنجد، و مواعظ و دعاها و فضائل قرآن و حلال و حرام به حدی از آن حضرت نقل شده است که در میان دانشمندان مشهور است و اگر بخواهیم آنها را شرح دهیم، سخن به درازا می‌کشد...».^{۲۰}

نمونه‌ای از تعالیم تربیتی و اخلاقی که از امام چهارم به یادگار مانده، مجموعه‌ای به نام «رساله الحقوق» است که امام طی آن، وظایف گوناگون از سان راه، چه در پیدشگاه خدا و چه نسبت به خویش‌ن و دیگران، بیان نموده است. امام این وظایف را که بالغ بر پنجاه حق است، ابتداءً به صورت اجمال و سپس به نحو تفصیل بر شمرده است.^{۲۱}

۵- دستگیری از درماندگان

امام چهارم هزینه زندگی صد خانواده تهی دست مدینه را عهده‌دار بود.^{۲۲}

گروهی از اهل مدینه، از غذایی که شبانه به دستشان می‌رسید، گذران معیشت می‌کردند، اما آورنده غذا را نمی‌شناختند. پس از درگذشت علی بن الحسین تازه متوجه شدند شخصی که شبانه مواد غذایی و خواربار برای آنان می‌آورده، علی بن الحسین (علیه السلام) بوده است!^{۲۳}

^{۲۰} - الإرشاد، ص ۲۶۰.

^{۲۱} - این رساله را مرحوم «صدوق» در کتاب «الخصال» (ابواب الخمسین و مافوقه) مسنداً و در کتاب «من لایحضره الفقیه» (ج ۲، ص ۶۱۸) مرسلأً روایت کرده است. حسن بن علی بن شعبه نیز در کتاب «تحف العقول» بدون سند، ولی مبسوط تر نقل کرده است. تعداد حقوق براساس نقل صدوق پنجاه و یک، و بر اساس روایت ابن شعبه پنجاه تا است. ر.ک: دکتر شهیدی، سید جعفر، زندگانی علی بن الحسین، ص ۱۶۹، ۱۸۸.

^{۲۲} - ابونعیم اصفهانی، حلیه الأولیاء، ج ۳، ص ۱۳۶؛ سبط ابن جوزی، تذکره الخواص، ص ۳۲۷؛ علی بن عیسی الأربلی، کشف الغمّه، ج ۲، ص ۲۸۹؛ شبلنجی، نورالابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار، ص ۱۴۰؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۸۸؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، تصحیح و تعلیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، ج ۴، ص ۱۵۴؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۲۲۲؛ شیخ محمد الصبان، اسعاف الراغبین (درحاشیه نور الأبصار) ص ۲۱۹؛ شیخ عبدالله الشیراوی الشافعی، الأتحاف بحب الإشراف، ص ۱۳۶.

^{۲۳} - علی بن عیسی، همان مأخذ، ص ۲۸۹؛ شبلنجی، همان مأخذ، ص ۱۴۰؛ ابونعیم اصفهانی، همان مأخذ، ص ۱۴۰؛ مجلسی، همان مأخذ، ص ۸۸.